

## دکتر رابرت پترسون، بشریت و گناه، جلسه ۱۵، گناه نخستین، رومیان ۵: ۱۲-۱۹، ادامه

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه. این جلسه ۱۵، گناه نخستین، رومیان ۵: ۱۲-۱۹، ادامه است.

به مطالعه ما در مورد آموزه گناه خوش آمدید.

ما با متن بزرگتر رومیان، رومیان ۵: ۱۹ تا ۱۲، کار می‌کنیم. و بیایید قبل از هر کاری، خداوند را بجوییم پدر، تو را به خاطر کلامت، به خاطر روحت، به خاطر رفاقت مسیحی شکر می‌کنم.

ما را برکت بده، ما را تشویق کن، به ما تعلیم بده، و ما از طریق عیسی مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنیم. آمین.

ما گفتیم که رومیان ۱: ۱۶ و ۱۷، در آنجا پولس موضوع کتاب رومیان را اعلام می‌کند، که انجیل، وحی عدالت نجات‌بخش خداست.

با این حال، او بلافاصله بحثی را در مورد آشکار شدن خشم خدا از ۱: ۱۸ تا ۳: ۲۰ آغاز می‌کند. در ۳: ۲۱، پولس به مضمون اعلام شده خود در آن بیانیه هدف، یعنی آشکار شدن عدالت نجات‌بخش خدا، بازمی‌گردد. پولس می‌گوید، اکنون عدالت خدا، جدا از شریعت، آشکار شده است.

این عدالت نجات‌بخش کاملاً جدا از شایستگی انسانی است، این همان چیزی است که به آن اشاره شد. با این حال، در تحقق وعده‌های عهد عتیق است. جدا از شریعت، اگرچه شریعت و پیامبران به آن گواهی می‌دهند. پولس خود را از این می‌ترسد که مبادا به دلیل صحبت علیه کتاب مقدس، دچار سوء تفاهم شود.

اولین کاربرد شریعت از شایستگی انسان سخن می‌گوید، اما اکنون عدالت خدا، عدالت نجات‌بخش خدا، جدا از شریعت و هرگونه مفهوم شایسته‌سالارانه، آشکار شده است، اگرچه شریعت و پیامبران بر آن شهادت می‌دهند. این عدالت به همه کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند، تعلق می‌گیرد. عدالت خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح برای همه کسانی که ایمان می‌آورند.

تأکید بر جایگاه ایمان مهم است. در بیان هدف، قبلاً گفته‌ام که من از انجیل شرمند نیستم و این قدرت خداست برای نجات هر کسی که ایمان بیاورد، یهودی، غیریهودی. زیرا در آن، عدالت خدا از ایمان به ایمان آشکار می‌شود.

همانطور که نوشته شده است، عادل به ایمان زیست خواهد کرد. بنابراین حداقل سه بار، بحث شده است که منظور از عبارت «از ایمان به ایمان» چیست، شاید از ایمان به ایمان، از ابتدا به انتها، چیزی شبیه به این، اما به محض اینکه او در آیه 3:21 به آن موضوع برمی‌گردد، می‌گوید، این عدالت، این عدالت نجات‌بخش که جدا از حفظ شریعت است، اما در عهد عتیق به آن شهادت داده شده است، از طریق ایمان به عیسی مسیح برای همه کسانی که ایمان می‌آورند.

رومیان ۴، فصل ایمان بزرگ در رومیان است. بنابراین، پولس به هیچ وجه نیاز به ایمان را کم‌اهمیت جلوه نمی‌دهد. زیرا هیچ تمایزی وجود ندارد.

رستگاری از طریق ایمان به مسیح برای همه کسانی است که ایمان می‌آورند، زیرا هیچ تمایزی وجود ندارد. زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند.

شاید تمایز در زمان‌ها در اینجا، از گناه آدم و سپس گناه واقعی انسان‌ها سخن می‌گوید. زیرا همه گناه کرده‌اند، زمان گذشته، و کوتاهی می‌کنند، می‌تواند یک مفهوم مترقی باشد، یک مفهوم حال باشد، می‌تواند یک ایده مترقی از جلال خدا باشد. و به فیض او به عنوان هدیه‌ای از طریق رستگاری که در مسیح عیسی است، توجیه می‌شوند.

از این نظر هیچ تفاوتی بین انسان‌ها وجود ندارد. همه گناه می‌کنند و پیوسته از کسب ستایشی که از جانب خداست، قاصرند. داگ مو، در تفسیر خود از رومیان، با این تفسیر از این دو زمان موافق است.

آیه ۲۴ مفهوم آیه ۲۲ را در بر می‌گیرد. همه کسانی که ایمان می‌آورند و به فیض او آزادانه عادل شمرده می‌شوند. سپس پولس اساس یا مبانی عادل شمرده شدن را در رومیان ۳، ۲۴ تا ۲۶ ارائه می‌دهد.

این کفاره مسیح است. پولس در آیه ۲۴، مرگ کفاره‌وار عیسی را به عنوان یک رستگاری معرفی می‌کند، اما در آیات ۲۵ و ۲۶ عمدتاً به عنوان یک کفاره. او به سادگی از رستگاری نام می‌برد، اما کفاره را توضیح می‌دهد.

خدا عدالت خود را در مرگ پسر عزیزش نشان می‌دهد. کسانی که ایمان می‌آورند، به فیض خدا به عنوان هدیه‌ای از طریق رستگاری که در مسیح عیسی است، عادل شمرده می‌شوند. مسیح عیسی، که خدا او را به عنوان کفاره‌ای به وسیله خون خود فرستاد تا از طریق ایمان دریافت شود.

این بردباری الهی است. او از گناهان پیشین خود گذشت کرده بود. این برای نشان دادن عدالت او در زمان حال بود تا او عادل باشد و کسی را که به عیسی ایمان دارد، عادل شمارد.

اساس عادل‌شمردگی، عمل مسیح است که به عنوان یک رستگاری در نظر گرفته می‌شود، آیه ۲۴، اما عمدتاً در اینجا به عنوان یک کفاره. در متن مربوط به گناه نخستین خواهیم دید که این عمل نجات‌بخش مسیح است که به عنوان عدالت به تصویر کشیده شده و عدالت را به ارمغان می‌آورد، به خصوص در قربانی او. خدا عدالت خود را در مرگ پسر محبوبش نشان داد.

در دوران عهد عتیق، خداوند مؤمنان را به امید کفاره مسیح بخشید. در رومیان ۳:۲۵ آمده است که در بردباری الهی خداوند، او از گناهان پیشین خود گذشت. در دوران عهد عتیق، خداوند مؤمنان را به امید کفاره مسیح بخشید.

قربانی‌های حیوانی تصویری از انجیل بودند، اما به خودی خود، گناه را از بین نمی‌بردند. آنها گناه را از بین می‌بردند، زیرا، همانطور که عبرانیان به ما می‌آموزند، در عبرانیان ۹ و ۱۵، قربانی مسیح برای گناهان تحت عهد عتیق فراهم شد. این شگفت‌انگیز است.

خداوند گناهکاران و مؤمنان را در امید به کفاره مسیح بخشید. او هنوز گناه را با قربانی مسیح از بین نبرده بود. اکنون، در کمال زمان، خداوند مسیح را به عنوان کفاره در مرگ فداکارانه خود، یعنی خون خود، معرفی کرد.

خداوند خشم خود را بر پسرش فرو ریخت، که محکومیتی را که گناهکاران سزاوار آن بودند، پذیرفت. برای شرح مفصل‌تر بخشش در عهد جدید، به لئون موریس، موعظه رسولی صلیب مراجعه کنید. همچنین دی.ای. کارسون فصلی در مورد یک جشن‌نامه دارد، کتابی که در تمام آن سال‌ها برای یک متکلم در گوردون کانول نوشته شده بود.

راجر نیکول، برای راجر نیکول، جلال کفاره، جلال صلیب، چیزی شبیه به این. کارستن تفسیری از رومیان دارد. زیباست ۲۶، ۳:۲۴.

به این ترتیب، خدا تمامیت اخلاقی خود را حفظ کرد تا عادل باشد و در عین حال بتواند گناهکاران را عادل بشمارد. معجزه انجیل اینجاست. مشکل این نیست که افراد نجات نیافته چه تصویری دارند

.چطور یک خدای مهربان می‌تواند کسی را مجازات کند؟ پاسخ به این سوال از نظر کتاب مقدس آسان است. فصل سوم کتاب مقدس و سه فصل اول رومیان به ما نشان می‌دهند که خدا می‌تواند به راحتی جهان را محکوم کند. مشکل کتاب مقدس این است که چگونه خدا می‌تواند شخصیت مقدس خود را حفظ کند و همچنان کسی را نجات دهد.

مشکل همین است. خدا چطور می‌تواند گناهکاران را داوری کند؟ مشکلی نیست. آنها سزاوار آن هستند، و او مقدس و عادل است.

مشکل این است که چگونه او می‌تواند مقدس و عادل باشد و کسی را نجات دهد. البته پاسخ این مشکل توسط خود خدا ارائه شده است. این به دلیل مرگ کفاره‌وار مسیح است. عیسی به عنوان کفاره‌ای برای برآوردن خواسته‌های عادلانه ذات خدا جان باخت.

برای اینکه عادل باشیم و کسی را که به عیسی ایمان دارد، توجیه کنیم، در این ارائه، ایمان را کم‌اهمیت جلوه نمی‌دهیم. ما ایمان را تثبیت می‌کنیم.

ایمان تنها به اندازه هدفش خوب است. هدف مناسب، مرگ مسیح است که به عنوان کفاره در نظر گرفته شده است. رومیان ۳:۲۵، ۲۶ به عنوان عدالت نجات‌بخش

رومیان ۵: ۱۸ و ۱۹. بقیه فصل ۳، فخرفروشی در مورد دستاوردهای انسانی در رابطه با نجات را رد می‌کند. انسان‌ها با ایمان عادل شمرده می‌شوند و نه با تلاش انسانی.

آیات ۲۷ و ۲۸. سپس پولس از استدلالی مبتنی بر وحدت خدا استفاده می‌کند تا نشان دهد که یهودیان و غیریهودیان به یک شکل نجات می‌یابند. یا اینکه خدا فقط خدای یهودیان است؟ آیه ۲۹ از فصل ۳. آیا او خدای غیریهودیان نیز نیست؟ بله، خدای غیریهودیان نیز

خدا کسی است که ختنه شدگان را از طریق ایمان و نامختونان را نیز از طریق ایمان عادل خواهد شمرد. آیا ما شریعت را از طریق ایمان باطل می‌کنیم؟ به هیچ وجه. بلکه برعکس، ما شریعت را حفظ می‌کنیم.

در آیه ۳۱، رسول وقتی ادعا می‌کند که شریعت را حفظ می‌کند نه آن را لغو، از سوءتفاهم احتمالی جلوگیری می‌کند. فصل ۴ با دقت ابزار عادل شمردگی را شرح می‌دهد. ایمان تنها به مسیح

رومیان ۵:۱، فصل ۵، مزایای این عادل شمردگی رایگان را ارائه می‌دهد. صلح عینی با خدا. بنابراین، از آنجایی که ما به ایمان عادل شمرده شده‌ایم، از طریق خداوندان عیسی مسیح با خدا صلح داریم.

آیه ۱. در آیه ۱۱ نیز یک مورد وجود دارد. علاوه بر این، ما همچنین به واسطه خداوندان عیسی مسیح در خدا شادی می‌کنیم، که از طریق او اکنون آشتی، که به معنای صلح و آشتی است، را دریافت کرده‌ایم. برکات عادل‌شمردگی، صلح با خداست.

آیات ۱ و ۱۱. امید به جلال آینده. آیات ۲ تا ۵. اکنون از طریق مسیح، ما با ایمان به این فیضی که در آن ایستاده‌ایم، دسترسی یافته‌ایم و به امید جلال خدا شادمانیم.

نه تنها این، بلکه ما از این آگاهی که رنج، بردباری می‌آورد، شادمانیم. بردباری، شخصیت می‌سازد و شخصیت امید. ما باید بین خطوط را بخوانیم تا اندیشه پولس را درک کنیم.

همانطور که مسیحیان در آنجا مقاومت می‌کنند و رنج می‌کشند، با توکل به خداوند، او آنها را می‌سازد و به افرادی ثابت قدم تبدیل می‌کند. و همانطور که آنها خدا را در حال حاضر در زندگی خود و آنچه می‌توانند ببینند، در حال کار می‌بینند، امید به وعده جلال آینده او در آنچه اکنون نمی‌توانند ببینند، افزایش می‌یابد. و علاوه بر این، آیه ۵ از فصل ۵ رومیان.

این امید ما را ناامید نمی‌کند زیرا محبت خدا به وسیله روح القدس که به ما عطا شده است، در قلب‌های ما ریخته شده است. فواید عادل شمردگی و صلح با خدا. رومیان ۵: ۱ و ۱۱.

امید به جلال آینده. ۲ تا ۵. و امنیت ابدی. آیات ۶ تا ۱۰.

در حالی که ما هنوز در زمان مناسب ضعیف بودیم، مسیح برای پی‌دینان مُرد. زیرا به ندرت کسی برای یک شخص عادل می‌میرد، اگرچه شاید برای یک شخص خوب، کسی جرأت کند که حتی بمیرد. در میان بشریت کاملاً بی‌سابقه نیست که کسی برای دوستانش بمیرد، اما کاملاً بی‌سابقه است که کسی برای دشمنانش بمیرد.

اما خدا عشق خود را به ما از این طریق نشان می‌دهد. در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد سپس، او دو بار از یک استدلال یهودی استفاده می‌کند.

اگر خدا کار سخت‌تر را انجام داده، کار آسان‌تر را هم انجام خواهد داد. او این کار را از نظر توجیه با کمی اختصار انجام می‌دهد. او این کار را از نظر آشتی انجام می‌دهد و آن را به طور کامل شرح می‌دهد.

بنابراین، از آنجایی که اکنون ما به خون او عادل شمرده شده‌ایم، خدا گناهکاران را عادل اعلام کرد. این کلید این استدلال یهودی است که از سخت‌ترین به آسان‌ترین، چقدر بیشتر ما توسط او از خشم خدا نجات خواهیم یافت. وای! وقتی محکوم شدیم، خدا ما را عادل شمرد.

حالا که عادل شمرده شده‌ایم، قرار است نجات پیدا کنیم. دقیقاً همان استدلالی که از تصویر نجات استفاده می‌کند، آشتی نامیده می‌شود. زیرا اگر زمانی که ما دشمن بودیم، سخت‌تر این است که ما با مرگ پسرش با خدا آشتی کردیم.

وای! خدا از طریق کفار مسیح، دشمنان را به دوستان خود تبدیل کرد. حالا که ما آشتی کرده‌ایم، آیا به وسیله حیات او نجات خواهیم یافت؟ اگر خدا بین خود و دشمنانش و بین آنها و خودش صلح برقرار کرد، حالا که دیگر دشمن او نیستیم، ما را نجات خواهد داد.

علاوه بر این، ما همچنین به واسطه خداوندمان عیسی مسیح که از طریق او همانطور که قبلاً توضیح دادیم، اکنون آشتی یافته‌ایم، در خدا شادی می‌کنیم. پس چگونه سرانجام به متن خود می‌رسیم: رومیان ۵: ۱۲ تا ۲۱ متن گناه اولیه بزرگ، چگونه در این الگو جای می‌گیرد؟ من پیشنهاد می‌کنم که پولس در اینجا، در پایان بحث خود در مورد توجیه، کار نجات‌بخش مسیح را همانطور که در ابتدای ارائه خود در مورد مبنای توجیه انجام داد، ارائه دهد. در ۳، ۲۴، ۲۵، پولس توضیح داد که عیسی به عنوان کفار گناهان درگذشت

در اینجا، او مُرد تا پارسایی را برای مؤمنان تضمین کند. آیه ۱۸ از فصل ۵ به یک عمل پارسایی اشاره می‌کند. در آیات ۲۴:۳ و ۲۶، پولس جنبه منفی کفار، یعنی برگرداندن خشم، تفریق منفی و برداشتن را مطرح می‌کند.

سپس، در آیات ۱۲ تا ۲۱ از باب ۵، جنبه مثبت آن را بیان می‌کند، یعنی فراهم کردن عدالت توسط مسیح، رویگردانی، دفع خشم و اعطای عدالت. اگر این تحلیل در متن صحیح باشد، رومیان ۱۲ تا ۲۱ از باب ۵ درباره گناه نخستین نیست. بلکه درباره عدالت نجات‌بخش مسیح به عنوان اساس عادل‌شمردگی است.

و با این حال، این آیات تعلیم می‌دهند که گناه آدم تأثیر زیادی بر نسل بشر داشته است. و بنابراین، ذیل مبحث عادل‌شمردگی، شرح قابل توجهی از گناه نخستین است. با در نظر داشتن این خلاصه از استدلال رومیان ۱۹:۱ تا ۵:۲۱، اکنون آماده‌ایم تا به تفسیر رومیان ۵، ۱۲ تا ۱۹ پردازیم.

این بخشی از کتاب مقدس در مورد گناه نخستین است. این رویداد در پیدایش ۳ ثبت شده است. نتایج آن در سراسر عهد عتیق و جدید آمده است، اما این تنها برخورد صریح کتاب مقدس با الهیات گناه نخستین است. این نتایج به طور ضمنی در افسسیان ۲: ۱ تا ۴ و به همین ترتیب در جاهای دیگر نیز آمده است.

افسسیان ۵:۱۲. بنابراین، همانطور که گناه از طریق یک انسان، یعنی آدم، وارد جهان شد و مرگ از طریق گناه، و به این ترتیب مرگ بر همه انسان‌ها شیوع یافت زیرا همه گناه کردند، صدا بلند است زیرا پولس یک مقایسه را شروع می‌کند و آن را کامل نمی‌کند. او آن را تا ۵، ۱۸ و ۱۹ کامل نمی‌کند.

همانطور که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد و مرگ به واسطه گناه، و به این ترتیب مرگ بر همه انسانها سرایت کرد زیرا همه گناه کردند، من آن را برای او کامل خواهم کرد. به همین ترتیب، عدالت و حیات نیز به واسطه یک انسان، یعنی عیسی مسیح، آشکار شده است. او اکنون این را نمی‌گوید، اما چیزی شبیه به این، جایی است که او قصد داشت به آن برود.

فکرش از جا پرید. هر مفسری این را درست می‌گوید. به نظر می‌رسد این آیه با پیروی از یک ساختار کیاستیک به دو بخش تقسیم می‌شود.

یک، وجود گناه، الف، و ب، مرگ در نسل بشر، و دو، جهان‌شمولی مرگ، ب پرایم، و گناه، الف پرایم، در میان بشریت. همانطور که گناه، الف، از طریق یک انسان به جهان آمد، و مرگ، ب، از طریق گناه، و بنابراین، مرگ، ب پرایم، به همه انسان‌ها سرایت کرد زیرا همه گناه کردند، الف پرایم. این آیه شامل جمله‌واره اگر پروتاسیس، از یک جمله‌واره مقایسه‌ای بدون جمله‌واره آنگاه است.

اگر-جمله، پروتاس، آنگاه-جمله، آپودوس. همانطور که با مقایسه آن با آیات ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۱ که با جزئیات فراوان به آنها خواهیم پرداخت، به راحتی می‌توان دید، این آیه یک پروتاس بدون آپودوس دارد. در just as یا as از if استفاده شده است؛ در جمله‌ی huts kai و process در hosper یا hos از این آیات استفاده شده است so therefore یا so then از then و در جمله‌ی

بنابراین، این عبارت هیچ شباهتی به این ندارد؛ هیچ چیز مانند ارائه اطلاعات غلط یونانی نیست. ایده خوبی نیست. مراقب باشید.

یا سببی است و با ارجاع به کلمه قبلی، پایه‌ای برای tuta عبارت dia بنابراین، عبارت، tuta دیا شروع میشه کلمه بعدی ایجاد می‌کند، یا به صورت غیرشفاهی است و از کلمه قبلی استنتاجی ارائه می‌دهد. من واقعاً به مقاله فوق‌العاده‌ای از اس. لوئیس جانسون، رومیان ۵:۱۲، تمرینی در تفسیر و الهیات، در کتابی به نام ابعاد

جدید در مطالعه عهد جدید، ویرایش شده توسط ریچارد لانگنکر و مریل تنی، تکیه می‌کنم. بنابراین، دشوار است بدانیم که آیا این عبارت به کل بحثی که از ۱:۱۸ شروع می‌شود، اشاره دارد یا صرفاً به ۵:۱-۱۱.

من به آیات ۱:۵-۱۱ اشاره می‌کنم که به نوبه خود به گذشته اشاره دارد. عبارت مقایسه‌ای درست زمانی، شروع می‌شود که گناه از طریق یک مرد وارد جهان شد؛ اشاره به آدم و گناه اولیه است. من با فرهنگ لغت جانسون، ۳۰۲، و کرانفیلد، تفسیر انتقادی بین‌المللی، موافقم که جهان در اینجا به معنای جهان به ۴۴۶، عنوان نوع بشر است.

کاربردهای مشابهی از کلمه «دنیا» در رومیان ۳:۶ و ۱۹ و در رومیان ۵:۱۳ یافت می‌شود. از طریق گناه آدم، گناه، که به عنوان یک مزاحم تجسم یافته بود، وارد دنیای انسان‌ها شد. عبارت بعدی حذف شده است و مرگ از طریق گناه وارد جهان شد.

آدم مسئول گناهی بود که وارد جهان شدند. مرگ به عنوان دومین متجاوز از طریق گناه آدم وارد شد، آندرس نیگرن می‌نویسد، نقل قول می‌کند، گناه و مرگ در جهان به عنوان ستمگرانی هستند، به بیانی قدرتمند، که از انسان نمی‌پرسند که آیا به آنها خدمت خواهد کرد یا نه، بلکه به طور خودکار حکومت می‌کنند.

و بدین ترتیب، مرگ بر همه انسان‌ها نازل شد. و بنابراین، نباید با موارد زیر اشتباه گرفته شود، در چند مورد این نشان دهنده پیامد یا نحوه ورود دو متجاوز به بشریت از طریق گناه اولین انسان است. مرگ به عنوان یک مهمان غیردوستانه بر همه انسان‌ها نازل شد.

همه انسان‌ها به دلیل اثرات گناه آدم مردند. آیه ۱۲ به این نتیجه می‌رسد که «زیرا همه گناه کردند». کرانفیلد و جانسون، این مقاله‌ای است که من به آن اشاره کردم، اس. لوئیس جانسون، ۳۰۳ و ۳۰۵، به طور قانع‌کننده‌ای استدلال می‌کنند که حرف اضافه باید به «زیرا» ترجمه شود.

معنای آیه را می‌توان به این صورت خلاصه کرد. ضمناً، اختلاف نظر زیادی بین کلیساهای شرقی و غربی بر سر معنای آن بند وجود دارد. به طور خلاصه، در نتیجه گناه آدم، مرگ برای همه انسان‌ها فرا رسید.

دلیلش این بود که همه، چه زمانی که آدم گناه کرد و چه بعد از آن، گناه کردند. بنابراین، مسئله تفسیری و الهیاتی این است که چگونه گناه یک انسان و گناه همه انسان‌ها را توجیه کنیم؟ آیه ۱۲ به این سوال پاسخ نمی‌دهد.

پاسخ در تفسیر آیات بعدی نهفته است. عبارت آخر، «همه گناهکارند»، دشوار است زیرا اولاً، به نظر «می‌رسد که متن، درک مشترکی از «همه گناهکارند» را می‌طلبد. در غیر این صورت،» و بنابراین همه گناهکارند معنایی ندارد.

متجاوزان در مرگ گناه کردند، از طریق گناه آدم وارد جهان شدند و در نتیجه، همه انسان‌ها مردند. چرا همه به صورت فردی گناه کردند؟ بلکه همه مردند زیرا همه در آدم گناه کردند. از سوی دیگر، برخی ادعا می‌کنند که منظور در هر جای دیگر از نوشته‌های پولس این است که همه انسان‌ها شخصاً گناه می‌کنند.

کرانفیلد و هندریکسون می‌گویند که این مورد درست است. آیا این تنها استثنا است؟ آیات ۱۳ و ۱۴ باب ۵ بسیار دشوار هستند و من بسیاری از دانشجویان را هنگام کار بر روی گزینه‌ها به خواب برده‌ام. اما اگر به الهیات تفسیری متعهد باشم، گزینه‌هایی را که باید بررسی کنیم، بررسی خواهم کرد.

یک بند توضیحی را معرفی می‌کند. ولز گفت، به نوعی آیات ۱۳ و ۱۴ آیه ۱۲ را توضیح، gar، در اینجا، آیه ۴ می‌دهند. من باید شریعت را بخوانم زیرا اگر همه گناهان گناه محسوب می‌شوند، پس این بند حذف شده است.

به همین دلیل است که ترجمه‌ها یک خط تیره بزرگ در آنجا قرار می‌دهند. زیرا گناه، در واقع، قبل از دادن شریعت در جهان وجود داشت. اما در جایی که شریعتی وجود ندارد، گناه محسوب نمی‌شود.

با این حال، مرگ از آدم تا موسی سلطنت می‌کرد، حتی بر کسانی که گناهشان مانند گناه آدم نبود، که نمونه‌ای از آن آینده بود. وای. شریعت در اینجا به وضوح به شریعت موسی اشاره دارد.

درست است. گناه، در واقع، قبل از اینکه شریعت داده شود، در جهان وجود داشت. در پایان داستان، او درباره آدم با موسی صحبت می‌کند، که داستان خوبی است.

در مقایسه با آیه ۱۴، که از مرگ صحبت می‌کند که از آدم تا موسی حکومت می‌کرد، از زمان آدم تا زمان اعطای شریعت موسی از آدم تا موسی، گناه در جهان وجود داشت. در واقع، مزاحم، هر دوی آنها، گناه و مرگ، آیه ۱۴، هنوز جهان را ترک نکرده بودند. انسان‌ها از آدم تا موسی گناه کردند و مردند.

بند بعدی اضافه می‌کند که گناه به حساب کسی نوشته نمی‌شود، چه در صورت وجود قانون. در اینجا بیانی از وضعیت عادی امور، یک زمان حالِ نومیک، آورده شده است. گناه نوشته نمی‌شود.

این روشی است که باید در پیش گرفت. این یک بیان معمول از واقعیت است، در حالی که هیچ قانونی وجود ندارد.

رومیان ۴:۱۵ را مقایسه کنید. جایی که شریعتی نباشد، گناهی هم نیست. رومیان ۱۳:۵ب، چیزی که الان خواندم. در جایی که شریعتی نباشد، گناه محسوب نمی‌شود، که این خیلی مشکل‌ساز است.

حداقل پنج دیدگاه در مورد معنای آن وجود دارد. وای. دیدگاه انتقاد اجتماعی.

دیدگاه حسی مطلق. سپس دیدگاهی مبتنی بر قانون وجود داشت. دیدگاه حسی نسبی یا تطبیقی.

تمايز قائل شدن بين دیدگاه گناه و تخلف. دیدگاه انتقاد شدید اجتماعی. متیو بلک، کتاب مقدس قرن جدید، معتقد است که پولس، نقل قول، با خودش یا با یک حریف خیالی به سبک انتقاد شدید اجتماعی بحث می‌کند.

مرگ بر همه انسان‌ها آمد، از این رو همه گناهان. با این حال، به شما می‌گویم، تا زمان اعطای شریعت موسی، گناه در جهان وجود داشت. با این حال، ممکن است استدلال کنید که در جایی که شریعتی وجود نداشت، گناهی نمی‌توانست وجود داشته باشد.

اما گناه را نمی‌توان به کسی نسبت داد و بنابراین مجازات کرد. شما به جایی اعتراض می‌کنید که قانونی وجود ندارد. به هر حال، مرگ از آدم تا موسی، همانطور که از موسی به بعد وجود داشت، حتی بر کسانی که گناهشان دقیقاً مانند گناه آدم نبود، حاکم بود.

ب، دیدگاه حس مطلق. هرمان ریدربوس، با نقل قول از استدلال آیات ۱۳ و ۱۴، می‌نویسد: پولس در اینجا به دوره قبل از اعطای شریعت استناد می‌کند، زیرا مرگ انسان‌هایی که در آن زمان زنده بودند را نمی‌توان از

گناه شخصی خودشان توضیح داد، بلکه باید علت آن در گناه آدم بوده باشد. در آن زمان نیز گناه وجود داشت، زیرا تا زمان آمدن شریعت، هیچ گناهی در جهان وجود نداشت.

با این حال، مجازات شریعت، یعنی مرگ، هنوز اعمال نمی‌شد. زیرا جایی که شریعتی نباشد، تخلفی نیز وجود ندارد، رجوع کنید به ۴:۱۵. و وقتی شریعتی وجود نداشته باشد، گناه به حساب نمی‌آید. با این وجود، در آن زمان نیز، مرگ بر کسانی که مانند آدم تخلف نکرده بودند، یعنی مانند آدم با فرمان الهی و مجازات آن مواجه نشده بودند، حکمفرما بود.

بنابراین واضح است که نه گناه شخصی آنها، بلکه گناه آدم و سهم آنها در آن، علت مرگ آنها بوده است. در آن زمان یک دیدگاه قانونی وجود داشت. جان موری می‌نویسد، منظورم این است که اینها آدم‌های خوبی هستند.

نقل قول، این نه با آموزه‌های پولس و نه با کتاب مقدس به طور کلی سازگار نیست که فرض کنیم منظور پولس در اینجا این است که اگرچه ممکن است گناهی وجود داشته باشد، اما در جایی که شریعتی وجود ندارد، به عنوان گناه تلقی نشده است. این با آیه 4:15 در تضاد است. هیچ شریعتی وجود ندارد، هیچ تجاوزی هم وجود ندارد. گذشته از مفاد فیض توجیه‌کننده، که در این آیه مورد توجه نیست، وقتی گناه تلقی نمی‌شود به این دلیل است که گناهی وجود ندارد.

این نشان می‌دهد که باید شریعتی نیز وجود داشته باشد. تصور این است که اگرچه شریعت مانند آنچه توسط موسی در سینا اعلام شد، ابلاغ نشده بود، اما شریعتی وجود داشت. این واقعیت که گناه وجود داشت، این را نشان می‌دهد.

اگر شریعتی وجود نداشت، گناهی هم وجود نمی‌داشت. بر اساس آیه ۱۵ از باب ۴، گناه فقط به عنوان تخطی از شریعت وجود دارد. و هر جا که گناهی وجود داشته باشد، باید به همان شکلی که هست، به آن نسبت داده شود.

ویلیام هندرسون موافق است که «گناه حتی قبل از اعطای شریعت سینا در جهان وجود داشت، همانطور که». از این واقعیت نشان داده می‌شود که مرگ، مجازات گناه، در طول دوره از آدم تا موسی، حاکم مطلق بود. بنابراین، واضح است که حتی در طول دوره از آدم تا موسی، گناه واقعاً در نظر گرفته می‌شد. اگرچه شریعت سینا با دستورات بیان شده‌اش هنوز وجود نداشت، اما شریعت وجود داشت.

در اینجا، رسول بدون شک به آنچه که قبلاً در رساله خود نوشته بود، یعنی شریعت خدا بر قلب، فکر می‌کرد. او فقط آیات 2:14 و 15 را ارائه می‌دهد، و این شریعت با مرگ به عنوان مجازات برای گناهکاران بی‌بندوبار واقعاً اعمال می‌شد. به رومیان 1:18 تا 32 مراجعه کنید.

اینکه قانونی وجود داشته، از این واقعیت ناشی می‌شود که گناه وجود داشته است. اگر قانونی وجود نمی‌داشت، گناهی هم وجود نمی‌داشت - از دیدگاه نسبی یا مقایسه‌ای.

کالوین معتقد است که ما نمی‌توانیم آیه ۱۳ ب را مطلقاً بپذیریم، زیرا خداوند گناه را به گناهکاران بین آدم و موسی نسبت داده است. مجازات قابیل، طوفانی که جهان شناخته شده را نابود کرد، سقوط سدوم و در نهایت، بلاهایی که بر مصریان نازل شد، گواهی می‌دهند که خداوند گناهان انسان‌ها را به حساب خودشان گذاشته است. همه اینها نقل قولی از کالوین است.

با این حال، آنها در بیشتر موارد، اعمال شیرانه خود را نادیده می‌گرفتند تا هیچ گناهی را به خود نسبت ندهند، مگر اینکه مجبور به انجام آن شوند. بنابراین، وقتی پولس ادعا می‌کند که گناه بدون شریعت نسبت داده نمی‌شود، او به صورت مقایسه‌ای صحبت می‌کند، زیرا وقتی انسان‌ها توسط شریعت به عمل ترغیب نمی‌شوند، در تنبلی فرو می‌روند. نقل قول بسته

بعداً، کالوین درباره این نقل قول صحبت می‌کند، کلمات بعدی که در آن آمده است کسانی که شریعتی نداشتند، گناه را به یکدیگر نسبت نمی‌دادند. نقل قول نزدیک. کرانفیلد می‌نویسد که منظور پولس از اینکه گناه به حساب نمی‌آید، این نیست که به حساب انسان‌ها گذاشته نمی‌شود.

به حساب آنها منظور شد، به حسابشان منظور شد. از آنجا که در آن دوره غیبت شریعت، مردانی مردند، آیه به وضوح نشان می‌دهد که از این نظر، گناه آنها واقعاً ثبت شده است. به حساب نیامدن، به حساب ۱۴ نیامدن، باید به طور نسبی درک شود، تنها در مقایسه با آنچه در زمان حضور شریعت اتفاق می‌افتد.

آیا می‌توان گفت که در غیاب شریعت، گناه محاسبه یا به حساب آورده نمی‌شود؟ او مدام از زبان یونانی استفاده می‌کند. کسانی که بدون شریعت زندگی می‌کردند، مطمئناً گناهکاران بی‌گناهی نبودند، آنطور که کسی آنها را چنین نامیده است. آنها به خاطر آنچه بودند و آنچه انجام می‌دادند، مقصر بودند

اما در مقایسه با وضعیتی که از زمان ظهور شریعت به وجود آمده است، می‌توان گفت که گناه در غیاب شریعت بوده و ثبت نشده است، زیرا آن چیز کاملاً آشکار و کاملاً تعریف شده‌ای که در حضور شریعت به آن تبدیل می‌شد، نبود. تنها در حضور شریعت، تنها در اسرائیل و در کلیسا است که جدیت کامل گناه قابل مشاهده است و مسئولیت گناهکار از هر گونه شرایط تخفیف‌دهنده‌ای سلب می‌شود.

دیدگاه پنجم. تمایز قائل شدن بین دیدگاه گناه و عصیان. سی. اچ. داد و موفات در این متن بین گناه و عصیان تمایز قائل می‌شوند.

نقل قول، او در اینجا تمایز دقیقی بین گناه به معنای وسیع آن و تجاوز یا سرپیچی، که نقض داوطلبانه مسئولانه و مجرمانه یک فرمان شناخته شده است، قائل می‌شود. در واقع، گناه هرگز در غیاب قانون محسوب نمی‌شود، یعنی گناه به همراه ندارد، جایی که هیچ قصدی برای عمل خلاف آنچه درست شناخته شده است، وجود ندارد. در نسل‌های بعدی، انسان‌ها گناه کردند اما در بسیاری از موارد، مانند آدم گناه نکردند.

اما اگرچه گناه آنها در غیاب قانون هرگز به حساب نیامد، اما اثرات شوم گناه در نظم عینی امور بر آنها نازل شد. این واقعاً یک دروازه چسبناک است، همانطور که بازیکنان کریکت می‌گویند. من قصد دارم به آیه بعدی بروم و سعی کنم همه چیز را کنار هم بگذارم و نظر خودم را ارائه دهم.

می‌توانیم بگوییم که می‌توانیم با اطمینان بدانیم که کلمات مورد بحث چگونه کار می‌کنند، حتی اگر گفتن متعصبانه معنای آنها دشوار باشد. اما مرگ از آدم تا موسی، آیه ۱۴، حاکم بود. در اینجا، می‌آموزیم که اثرات گناه قبل از اعطای شریعت احساس می‌شد.

مردم مردند. در واقع، مرگ مزاحم در زمان بین آدم و موسی به عنوان پادشاه حکومت می‌کرد. مرگ، نقل قول، حتی بر کسانی که به مانند گناه آدم گناه نکرده بودند، نقل قول نزدیک، سلطنت می‌کرد.

صفحه ۵۶۱ را توضیح می‌دهد و می‌گوید که این عبارت به معنای، نقل، BAGD 2 فرهنگ لغت، واژه‌نامه قول، به مانند گناه آدم به معنای همان کاری است که آدم انجام داد، کسی که از یکی از دستورات صریح خدا

سرپیچی کرد. همانطور که می‌بینید، این همان کاری است که آدم در باغ انجام داد، و این کاری است که پس از اعطای شریعت موسی می‌توان انجام داد. ممنوعیت نخوردن از درخت معرفت خیر و شر فقط به آدم و حوا داده شد و این شریعت تا زمان موسی داده نشده بود.

با این حال، مرگ بر مردمی که بین آدم و موسی زندگی می‌کردند، حکمفرما بود، مردمی که این ممنوعیت‌های صریح را داشتند. آدم یک ممنوعیت صریح داشت. شما می‌توانید از هر درختی در باغ بخورید، اما نه از درخت شناخت نیک و بد.

مطمئناً، اینکه «نباید» و «اینکه» باید «دستورات و ممنوعیت‌های صریح هستند. در بین زمان‌ها، آدم و موسی، آدم و دادن فرامین، گناه کردن متفاوت است. ما از ممنوعیت‌های صریح چیزی نمی‌دانیم.

با این وجود، مردم مردند. ما داریم به این درک می‌رسیم که کار آسانی نیست. با این حال، مرگ بر مردمی که بین آدم و موسی زندگی می‌کردند، حاکم بود.

درک این آیه تا حد زیادی به درک او از آیه دشوار ۱۳ ب با حواس پنجگانه بستگی دارد. رومیان ۱۴: ۵ ب، حتی در مورد کسانی که گناهشان مانند گناه آدم نبود، به طرق مختلف تفسیر شده است. کالوین نوشت، نقل قول، این متن عموماً در مورد کودکان خردسالی فهمیده می‌شود که بدون اینکه مرتکب هیچ گناه واقعی شوند، از طریق گناه اولیه می‌میرند.

با این حال، او نوشت که من ترجیح می‌دهم آن را به طور کلی به عنوان اشاره به همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده‌اند، تفسیر کنم، نقل قول نزدیک. جان موری موافق است، اما با این حال، چندان قطعی نیست که فقط نوزادان مد نظر باشند. کسانی که خارج از محدوده وحی ویژه هستند را می‌توان متعلق به این دسته دانست.

آنها مانند آدم از فرمان الهی سرپیچی نکردند و آن را به صراحت آشکار کردند. اگرچه بزرگسالان در این دسته در مقایسه با قانون ۱۴: ۱۵ خداوند بر قلب، بر خلاف قانون طبیعت گناه کردند، رسول می‌توانست به سلطنت مرگ بر همه استناد کند، مانند اشاره به گناه آدم و به عنوان مقدمه‌ای که اکنون توجه او بر آن متمرکز است، یعنی گناه همه در گناه آدم. به عبارت دیگر، با استناد به همه حقایق دوره پیش از موسی، تنها توضیح سلطنت جهانی، همبستگی در گناه آدم است.

موافقم. موافقم. می‌توان مرگ آدم و موسی را اینگونه توجیه کرد.

مردم گناه کردند و مردند. رومیان به ما می‌گویند که مزد گناه مرگ است، درست است؟ ۶: ۲۳. اما منظور پولس این است که اگرچه می‌توانید مرگ را توجیه کنید، اما نمی‌توانید سلطنت مرگ را توجیه کنید.

سلطنت مرگ با گناه آشکار آدم در باغ عدن توضیح داده می‌شود. اس. لوئیس جانسون می‌نویسد که واقع‌گرایی این دیدگاه است که ما در واقع در صلب آدم هستیم؛ ما واقعاً از نظر فیزیکی در بدن او هستیم. او فقط نماینده ما نیست، بلکه سر طبیعی ماست.

حالا، من دارم روی چیزهایی کار می‌کنم که بعداً القا خواهیم کرد. او سر طبیعی ماست، شکی نیست. ما از آدم و حوا آمده‌ایم.

اما آیا ریاست طبیعی او همان شیوه‌ای است که گناه نخستین عمل می‌کند؟ رئالیسم می‌گوید بله، یک نسبت دادن واقع‌بینانه. می‌گویند بله. اس. لوئیس جانسون، که مخالف است و بیشتر به دیدگاه کالوینیستی نماینده

پایبند است، نه دیدگاه واقع‌بینانه‌ی ریاست، می‌گوید، اس. لوئیس جانسون می‌گوید، رئالیسم نمی‌تواند رومیان و بند آخر آن را بررسی کند ۱۴.

و که با آن شروع می‌شود نشان می‌دهد که عبارت دوم به طبقه خاصی اشاره دارد، حتی فراتر از کسانی که گناه، نکرده‌اند. متمایز از طبقه عمومی که در عبارت اول به آن اشاره شده است. عبارت دوم از نوزادان یا ببخشید، احمق‌ها تشکیل شده است؛ به نظر می‌رسد که معادل‌های نزدیکی هستند.

اگر منظور نوزادان است، چرا رسول این دوره را انتخاب می‌کند؟ اول، به نوزادان احترام بگذارید؛ همین امر در هر دوره‌ای صادق است و هیچ دوره‌ای نمونه بهتری از دوره دیگر نیست. درست است. این خوب است.

آخرین بند آیه ۱۴ می‌گوید که آدم نمونه کسی است که قرار است بیاید. من دارم از خودم پیشی می‌گیرم. و باید برداشت خودم را از آن آیات دشوار توضیح دهم.

در واقع، من این کار را انجام خواهم داد و در جلسه بعدی به سرعت به مسائل بیشتر در این شرایط دشوار خواهم پرداخت.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه است. این جلسه ۱۵، گناه نخستین رومیان ۵: ۱۲-۱۹، ادامه است.